

فصلنامه پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی

سال دوم، شماره (۱)، پیاپی ۴ زمستان ۱۳۹۳ صص ۲۶-۱۱

## مسئولیت مدنی لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده در قبال اشخاص ثالث

سید محمد هادی ساعی\*

استادیار گروه حقوق دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مریم ثقفی

دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه اصفهان

### چکیده

قرارداد لیسانس از متداول‌ترین قراردادهای انتقال تکنولوژی محسوب می‌شود که متعاقدين آن لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده هستند. هدف از این قرارداد اعطای امتیازات صاحب حقوق مالکیت فکری به دیگری، به منظور بهره‌برداری از این حقوق است.

با وجود منافعی که قرارداد لیسانس برای هریک از متعاقدين به همراه دارد، گاه موجب ورود خساراتی به حقوق اشخاص ثالث می‌گردد. بهره‌برداری غیر مجاز از حقوق متعلق به اشخاص ثالث و تولید محصولات تحت لیسانس به گونه‌ای معیوب از موجبات خسارات به اشخاص ثالث هستند. حال این سوال می‌شود که مسئول خسارات وارده به اشخاص ثالث چه شخصی یا اشخاصی هستند؟ لیسانس گیرنده؟ لیسانس دهنده؟ یا هر دو؟ مبنای مسئولیت مدنی آنان چیست؟

از این رو مقاله حاضر به بررسی مسئولیت مدنی لیسانس دهنده و گیرنده لیسانس می‌پردازد و در این زمینه مبانی مطرح شده در باب مسئولیت آنان در حقوق ایران و یا دیگر نظام‌های حقوقی را تحلیل می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** قرارداد لیسانس، لیسانس دهنده، لیسانس گیرنده، مسئولیت مدنی، اشخاص ثالث.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۱

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: sm\_h\_saei@yahoo.com

## ۱- مقدمه

انتقال تکنولوژی به معنای انتقال دارایی‌های فکری تکنولوژی؛ مانند مهارت‌ها، دانش‌ها، تجهیزات و روش‌های ساخت است که با پیشرفت روزافزون فناوری جدید از طریق روش‌های مرسوم قانونی با اغراض مختلف صورت می‌پذیرد (زهتابیچیان و ناصری، ۱۳۸۹: ۱۱۱). از جمله اهداف این انتقال بازاریابی و استفاده از فرصت‌هایی است که اعطاکنده تکنولوژی به تنهایی قادر به بهره‌برداری مؤثر از آن نیست؛ و یا اینکه سرمایه و منابع کافی برای توسعه حوزه فعالیتش ندارد. همچنین ممکن است انتقال‌گیرنده تکنولوژی جدید، امکانات کافی بهره‌برداری داشته باشد لیکن نتواند به تحقیق و توسعه و بهبود تکنولوژی خود بپردازد (شیفر و ارل و آگوستی، ۱۳۸۴: ۲).

در میان قراردادهای متعدد شناسایی شده در زمینه انتقال تکنولوژی، قرارداد لیسانس به‌عنوان خالص‌ترین و متداول‌ترین این نوع قراردادها محسوب می‌شود. در نظام حقوقی ایران، علیرغم عدم شناسایی صریح قرارداد لیسانس، این‌گونه قراردادها در ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تجویز شده است.<sup>۱</sup>

ماهیت قرارداد لیسانس و چگونگی ایجاد، انحلال و قوانین و مقررات آن در کتب و مقالات متعدد مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما آنچه که مورد ابهام است نحوه جبران خسارات ناشی از این‌گونه قراردادهاست. به‌عبارت دیگر، سؤال این است که اگر موضوع قرارداد لیسانس و امتیازات منتقل شده موجب ورود خسارت به اشخاص ثالث شود چه شخص یا اشخاصی مسئول هستند؟ صاحب امتیاز و انتقال‌دهنده آن یا انتقال‌گیرنده امتیاز؟ یا هر دو؟ مبنای مسئولیت این اشخاص چگونه توجیه می‌شود؟ چگونه می‌توان لیسانس‌دهنده‌ای را که صرفاً حق بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری و امتیازات قانونی خود را واگذار نموده، مسؤول خسارات ناشی از کالاها و محصولات تولید شده دانست؟

بنابراین در این مقاله سعی شده، به‌منظور جبران خسارات مصرف‌کنندگان کالاهای تحت لیسانس، مسئولیت لیسانس‌دهنده و لیسانس‌گیرنده و مبانی مسئولیت هریک از آنان تبیین شود. در راستای نیل به این هدف، ابتدا ماهیت قرارداد لیسانس و سپس مسئولیت لیسانس‌گیرنده و مبانی آن و درنهایت مسئولیت لیسانس‌دهنده و مبانی آن بررسی می‌گردد.

## ۲- ماهیت قرارداد لیسانس

لیسانس در لغت، به معنای پروانه، اجازه و همچنین درجه عالی تحصیلات بالاتر از دوره کامل متوسطه است (معین، ۱۳۶۰: ۳۶۶۷). عقد لیسانس یا قرارداد پروانه بهره‌برداری «قراردادی است که به موجب آن، مالک انحصاری یک حق، بهره‌برداری، انتفاع از تمام یا بخشی از آن حقوق را به شخص دیگری واگذار می‌کند. چنین قراردادی غالباً به صورت معوض

منعقد می‌شود و ذینفع (لیسانس‌گیرنده) متعهد به پرداخت مبلغی پول می‌شود که معمولاً در قالب اقساط پرداخت می‌گردد.» (روبیر، به نقل از انصاری، ۱۳۸۴: ۸۳). عقد لیسانس عقدی عهدی و از نوع قراردادهای اعطای امتیاز (Concession) است که در آن هیچ‌گونه مالکیتی منتقل نمی‌شود (روبیر، به نقل از انصاری، ۱۳۸۴: ۸۴). همان‌گونه که بیان شد این قرارداد غالباً معوض است و در مقابل پرداخت مابه‌ازا یا حق امتیاز (Royalty) صورت می‌گیرد؛ اما عدم پرداخت عوض و رایگان بودن آن خدشه‌ای به اعتبار قرارداد وارد نمی‌سازد (شیفر و ارل و آگوستی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). قرارداد لیسانس ممکن است انحصاری (Exclusive)، انفرادی (Sole) و یا غیر انحصاری (non exclusive) باشد. در لیسانس انحصاری، حق رقابت و استفاده از امتیاز واگذار شده برای هیچ‌یک از رقبا و لیسانس دهنده وجود ندارد و صرفاً لیسانس‌گیرنده حق بهره‌برداری از حقوق واگذار شده را دارد. لیسانس انفرادی نیز مانند لیسانس انحصاری است؛ با این تفاوت که حق بهره‌برداری و رقابت برای خود لیسانس دهنده نیز باقی می‌ماند. در لیسانس غیر انحصاری رقابت در قلمرو قرارداد صحیح است و حق بهره‌برداری از موضوع لیسانس برای لیسانس دهنده و دیگران وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که لیسانس دهنده می‌تواند آن را هم زمان به اشخاص متعددی منتقل نماید (هداوند، ۱۳۸۴: ۴۰).

با توجه به اوصاف مذکور در باب ماهیت قرارداد لیسانس، نظریات متعددی مطرح شده است. برخی این نوع قرارداد را مانند عقد بیع می‌دانند و از واژه خرید لیسانس استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup> اما در قرارداد لیسانس صرفاً اجازه استفاده از موضوع عقد واگذار می‌شود، نه مالکیت آن (افشاری پور، ۱۳۸۸: ۷۳)، از سوی دیگر مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی<sup>۳</sup> موضوع بیع انتقال عین است. لذا انتقال حق را نباید نوعی بیع دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ج ۱/۴۲-۴۱). هم‌چنین چون انتقال حقوق، مطابق قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان محدود به زمان است<sup>۴</sup>، نمی‌توان انتقال حق برای مدت محدود مثلاً ۳ یا ۵ سال را بیع نامید (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ج ۱/۴۲-۴۱).

در حقوق فرانسه براساس ماده ۱۷۰۸ قانون مدنی<sup>۵</sup>، با قرارداد لیسانس هم‌چون عقد اجاره رفتار می‌کنند و آن را نوعی اجاره می‌دانند (Bouche, 2011:211). اما اگر قرارداد لیسانس را اجاره بدانیم باید بپذیریم که لیسانس‌گیرنده اصولاً مجاز به انتقال حقوق واگذار شده است؛<sup>۶</sup> اما در قرارداد لیسانس، انتقال‌گیرنده غالباً حق واگذاری موضوع عقد را ندارد مگر آن‌که به این حق تصریح شود. علاوه بر آن، به دلیل تصریح ماده ۴۶۶ قانون مدنی<sup>۷</sup>، به واژه «عین» نمی‌توان اجاره حق را در تعریف مذکور گنجانید (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ج ۱/۳۱۲-۳۱۱).

قرارداد لیسانس را با عقد وکالت نیز نمی‌توان تطبیق نمود؛ زیرا یک وکیل به نیابت و نمایندگی از سوی موکل خود اقدام می‌کند و موکل می‌تواند اختیارات او را در معاملات محدود کند. اشخاص ثالث وکیل را طرف معامله محسوب نکرده و اجرای تعهدات قراردادی را از وکیل

نمی‌خواهند؛ اما لیسانس‌گیرنده به نام و حساب خود با اشخاص ثالث وارد معامله می‌شود و نماینده لیسانس‌دهنده نیست و اشخاص ثالث نیز اجرای قرارداد را از لیسانس‌گیرنده می‌خواهند نه لیسانس‌دهنده (Mendelsohn, 2004: 25). بنابراین با توجه به ایرادات مطرح شده در باب تطابق قرارداد لیسانس و برخی عقود معین، به نظر می‌رسد این قرارداد قابل دسته‌بندی در هیچ‌یک از انواع عقود معین نبوده و از مصادیق قراردادهای ماده ۱۰ قانون مدنی<sup>۱</sup> است (صابری، ۱۳۸۵: ۳).

### ۳- لیسانس‌گیرنده

لیسانس‌گیرنده شخصی حقیقی یا حقوقی است که به موجب قرارداد لیسانس، مجوز بهره‌برداری از حقوق انحصاری پروانه اختراع و یا دیگر حقوق مالکیت فکری صاحبان این حقوق را دریافت می‌کند تا با استفاده از این حقوق به ساخت، تولید یا استفاده از محصولی که شامل حقوق اعطا شده است بپردازد و یا از فرآیندی استفاده نماید که حقوق اعطا شده را در بر می‌گیرد (احمدی و کوشا، ۱۳۹۱: ۲).

لیسانس‌گیرنده برای دریافت مجوز بهره‌برداری، یکی از طرفین قرارداد لیسانس محسوب می‌شود و دارای تعهداتی چون حفظ اسرار و اطلاعات مربوط به حقوق و امتیازات واگذار شده است و در صورت نقض آن‌ها در مقابل اعطاکننده لیسانس مسئول می‌باشد. از سوی دیگر، لیسانس‌گیرنده در بهره‌برداری از حقوق اعطا شده، به تولید و یا استفاده از کالاهایی می‌پردازد که از این طریق مخاطب مصرف‌کنندگان کالاها و محصولات تحت لیسانس قرار می‌گیرد، بنابراین، مسؤول ضرر و زیان وارده از محصولات تحت لیسانس به مصرف‌کنندگان می‌شود.

### ۳-۱- مسئولیت مدنی لیسانس‌گیرنده در قبال خسارات وارده به اشخاص ثالث

صرف وجود قرارداد لیسانس موجب مصونیت لیسانس‌گیرنده از مسؤولیت‌های ناشی از احتمال مالکیت اشخاصی غیر از لیسانس‌دهنده، نسبت به حقوق واگذار شده و عدم مجوز لیسانس‌دهنده در انتقال آن‌ها و یا خسارات وارده از کالاهای تحت لیسانس به مصرف‌کنندگان و اشخاص ثالث نمی‌شود. به همین علت، عموماً طرفین قرارداد لیسانس به منظور توازن مسؤولیت لیسانس‌گیرنده و اعطاکننده لیسانس شرطی با عنوان شرط پرداخت غرامت (Indemnification Clause) را ضمیمه قرارداد می‌نمایند. این شرط موجب می‌شود که خسارات ناشی از نقض تضمینات قراردادی؛ نظیر مجوز لیسانس‌دهنده در انتقال موضوع قرارداد، با لیسانس‌دهنده باشد (Ilen Harris, 2009, P.81) و از لیسانس‌گیرنده در مقابل دعاوی اشخاص ثالث حمایت نماید (Battersby & Grimes, 2001: 5-82).

از سوی دیگر، همان‌گونه که بیان شد، لیسانس‌گیرنده، که به تولید و استفاده از محصولات تحت لیسانس می‌پردازد، مسؤول عیوب و خسارات وارده از این کالاها به اشخاص ثالث می‌باشد. همچنین او مسؤول اعمال کلیه کارکنان و خدمه خود، اعم از پیمانکار و کارگر بوده و علیرغم این‌که مسؤولیت او موجب نفی مسؤولیت خود خدمه و پرسنل مقصر نیست، لیکن مستقل از مسؤولیت اشخاص مذکور می‌باشد (Park, 2013: 282). دلیل این امر نیز وظیفه لیسانس‌گیرنده در نظارت بر عملکرد پرسنل و اشخاصی است که به‌منظور بهره‌برداری از موضوع لیسانس به خدمت می‌گمارد؛ که البته در این راستا باید مطابق دستورالعمل‌های عملیاتی و مدیریتی لیسانس‌دهنده اقدام نماید؛ زیرا عملکرد منفی پرسنل لیسانس‌گیرنده تأثیر سوئی بر اعتبار و شهرت اعطاکننده لیسانس دارد (اسکینی، باقرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰). اگرچه ذکر این نکته لازم است که لیسانس‌دهنده کارفرمای هیچ‌یک از پرسنل محسوب نشده و مسؤول اعمال آنان نیست (اسکینی و باقرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۱).

### ۳-۲- مبنای مسؤولیت لیسانس‌گیرنده

مبنای مسؤولیت لیسانس‌گیرنده، در قبال ضرر و زیان وارده به اشخاص ثالث، در قالب نظریه مسؤولیت نیابتی (vicarious Liability) و مسؤولیت ناشی از تولید (product liability) توجیه شده است.

### ۳-۲-۱- نظریه مسؤولیت نیابتی

نظریه مسؤولیت نیابتی در نظام حقوقی کامن‌لا مطرح است که مطابق آن، خواننده دعوا مسؤول خطا و تقصیر دیگری محسوب می‌شود (Giliker, 2010: 1). از این رو برخی لیسانس‌گیرنده را بر مبنای مسؤولیت نیابتی، مسؤول خساراتی می‌دانند که از سوی کارکنان او به اشخاص ثالث وارد می‌شوند (Perks, 2012: 134).

اگرچه نظریه مسؤولیت نیابتی در نظام حقوقی ایران جایگاهی ندارد؛ اما در حقوق ایران می‌توان مسؤولیت لیسانس‌گیرنده را نسبت به اعمال زیردستانش، با نظریه مسؤولیت کارفرما توجیه نمود. این نظر که در ماده ۱۲ قانون مسؤولیت مدنی<sup>۹</sup> آمده است، کارفرما را در مقابل اعمال کارگران خود مسؤول می‌داند؛ اما تفاوت در این است که مسؤولیت کارفرما زمانی محقق می‌شود که رابطه کار موجود باشد؛ یعنی یک تبعیت حقوقی که شامل نظارت کارفرما بر کارگر می‌شود حاصل آید و کارفرما نوع کار و شیوه انجام آن را تعیین کند (احمدوند، ۱۳۸۴: ۳۱-۳۰). در حالی‌که مسؤولیت نیابتی محدود به رابطه کارگر و کارفرما نبوده و در مورد اعمال پیمانکاران و نمایندگان نیز قابل اجراست (Spier & Donato, 2003: 16).

## ۳-۲-۲- نظریه مسئولیت ناشی از تولید

مطابق این نظر در قرارداد لیسانس، لیسانس‌گیرنده تولیدکننده محصول تحت لیسانس است و بر همین اساس می‌توان مسئولیت وی را در قبال خسارات وارده به اشخاص ثالث، بر مبنای مسئولیت تولیدکننده توجیه نمود (Poltorak, Lerner, 2004: 423). بنابراین، مبنای مسئولیت لیسانس‌گیرنده نیز، هم‌چون تولیدکننده، مسئولیت محض<sup>۱۰</sup> بوده و مسؤول زبان‌هایی است که از جانب محصولات او به دلیل عدم آرایه اطلاعات و هشدارهای لازم یا عدم رعایت استانداردها و عیب کالا به مصرف‌کننده وارد می‌شود.

اما در نظام حقوقی ایران، به دلیل عدم پذیرش نظریه مسئولیت محض، مسئولیت تولیدکننده غالباً ناشی از ضمان قهری است. هم‌چنان‌که به این مینا در مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مدنی<sup>۱۱</sup> و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی<sup>۱۲</sup> اشاره شده است. لذا برای تحقق این مسئولیت، زیان دیده ناچار است تقصیر تولیدکننده را ثابت نماید.

اما از طرفی، جای خشنودی است که در نظام حقوقی ایران نظریه تقصیر تنها مبنای مسئولیت تولیدکننده نیست و در موارد خاص، مسئولیت قراردادی و نظریه قایم‌مقامی مصرف‌کننده مبنای قابل طرحی هستند که در ذیل بررسی می‌شوند:

۳-۲-۲-۱- مسئولیت قراردادی: تولیدکنندگان غالباً روابط مستقیمی با مصرف‌کنندگان نهایی ندارند؛ زیرا محصولات خود را از طریق خرده‌فروشان وارد بازار می‌کنند؛ اما در برخی مواقع، تولیدکنندگان به منظور حذف واسطه‌ها، به ایجاد نمایندگی‌ها و مراکز فروش می‌پردازند. به این ترتیب تولیدکننده به فروش محصولات خود پرداخته و با مصرف‌کنندگان نهایی وارد معامله می‌شود. در این فرض تولیدکنندگان مانند بائع بوده و به این دلیل که در عقد بیع، سلامت مبیع از شروط بنایی محسوب می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ق: ۲۳۵) به‌طور ضمنی فقدان عیوب کالا از سوی فروشنده تضمین می‌گردد.

۳-۲-۲-۲- نظریه قایم‌مقامی: در اکثر موارد مصرف‌کننده خریدار ثانوی است و با وجود عدم رابطه قراردادی با تولیدکننده، با فروشنده به مناسبت بیع کالا، رابطه قراردادی دارد. در این فرض اگرچه مصرف‌کننده فاقد رابطه قراردادی با تولیدکننده است؛ اما با فروشنده‌ای طرف قرارداد می‌شود که خود خریدار محصولات تولیدکننده است. بنابراین، او می‌تواند برای خسارات ناشی از عیوب کالا به قایم‌مقامی از سوی فروشنده، علیه تولیدکننده اقدام دعوا نماید؛ چراکه خریدار در مورد مبیع و تمام آثار قراردادهایی که فروشنده قبل از قرارداد با او، با دیگران منعقد کرده، قایم‌مقام فروشنده محسوب می‌شود (مولودی، ۱۳۸۳: ۲۲۱). در نتیجه تمامی حقوق فروشنده در رابطه قراردادی با تولیدکننده به خریدار منتقل شده و مبنای مطالبه خسارات قرار می‌گیرند.

با توجه به مبانی فوق، در نظام حقوقی ایران مسؤولیت ليسانس‌گیرنده را صرفاً با نظريه تقصير و در موارد خاص، مسؤولیت قراردادی و نظريه قايِم‌مقامی می‌توان توجیه نمود. هم‌چنین نظريه مسؤولیت کارفرما نیز می‌تواند در صورت احراز وجود رابطه کارگر و کارفرمایی مورد استناد قرار گیرد. اما نظريه مسؤولیت نیابتی و تولیدکننده صرفاً در حقوق خارج مطرح بوده و به دلیل این‌که جایگاهی در نظام حقوقی ما ندارد به‌عنوان مبنای مسؤولیت ليسانس‌گیرنده محسوب نمی‌شود.

#### ۴- ليسانس دهنده

ليسانس‌دهنده کسی است که حق بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری و یا پروانه اختراع خود را به‌منظور بهره‌برداری و یا تولید محصولات موضوع حقوق خود، به دیگری واگذار می‌کند. شاید در وهله اول به نظر برسد که چون تولیدکننده محصول، شخص دیگری است بنابراین خسارات مربوط به محصول نیز گریبان‌گیر ليسانس‌گیرنده بوده و ارتباطی به اعطا کننده ليسانس ندارد؛ اما چنان‌که خواهیم دید ليسانس‌دهنده دارای تکالیفی است و مسؤولیت او در باره محصولات تحت ليسانس، نسبت به خسارات وارده به اشخاص ثالث، قابل پذیرش است.

#### ۴-۱- مسؤولیت مدنی ليسانس‌دهنده در قبال خسارات وارد به اشخاص ثالث

قرارداد ليسانس و اعطای حقوق ليسانس‌دهنده به طرف قرارداد، موجب برائت ليسانس‌دهنده از عواقب این اعطای امتیاز نمی‌شود؛ بلکه این قرارداد موجب تکالیف و تعهداتی برای ليسانس‌دهنده است که ضرر و زیان ناشی از نقض هر یک از این تکالیف و تعهدات، مسؤولیت‌ساز است. در این راستا نظام حقوقی ایران، ليسانس‌دهنده یک علامت تجاری را موظف به کنترل مؤثر کیفیت و مرغوبیت کالا و خدمات ایجاد شده توسط ليسانس‌گیرنده قرار داده و ضمانت اجرای این تکلیف را نیز عدم اعتبار قرارداد اجازه بهره‌برداری از علامت معرفی می‌کند<sup>۱۳</sup>. هم‌چنین ليسانس‌دهنده موظف است کلیه تعلیمات و اطلاعات لازم را که شامل شناسایی صحیح و دقیق موضوع ليسانس است به انتقال‌گیرنده امتیاز و پرسنل اصلی او منتقل نماید (Dimatteo, 2009: 402).

البته اگرچه این امر مربوط به تکالیف ليسانس‌دهنده در کنترل اعمال‌گیرنده ليسانس است و قوانین ایران درباره مسؤولیت ليسانس‌دهنده که ناشی از عدم مرغوبیت کالا یا خسارات وارد بر اشخاص ثالث باشد ساکت است و هم‌چنین قاعده عمومی این است که هر کس مسؤول خطاهای خویش بوده و مسؤولیتی نسبت به فعل غیر ندارد، مگر در موارد استثنایی و مصرح در قانون (کاتوزیان، ۱۳۹۱ (الف): ج ۲/۶-۵)؛ اما در بخش مبانی مسؤولیت ليسانس‌دهنده بیان

می‌شود که در برخی موارد، انتساب مسئولیت ناشی از خسارات وارده از کالای تحت لیسانس به لیسانس‌دهنده امکان‌پذیر است.

از سوی دیگر، در یک قرارداد لیسانس، اعطا کننده امتیازات، همواره خواهان کاهش مسئولیت ناشی از خطا و قصور خود می‌باشد که به صدمات و خسارات وارده به اشخاص ثالث منجر می‌شود (Classen, 2007: 36)؛ اما باید متذکر شد که مطابق اصل نسبی بودن قراردادها، شرط تحدید مسئولیت لیسانس‌دهنده صرفاً ما بین طرفین قرارداد نافذ بوده و «در هیچ عقدی امکان توافق به زیان اشخاص ثالث وجود ندارد» (کاتوزیان، ۱۳۹۱ (ب): ج ۱/- ۵۸۵). بند ۳ ماده ۷۱۹-۲ قانون متحدالشکل تجاری نیز مؤید این مطلب بوده و مقرر می‌دارد که طرفین قرارداد نمی‌توانند مسئولیت خود را نسبت به خسارات بدنی به اشخاص ثالث کاهش دهند.<sup>۱۴</sup> در حقوق ایران نیز شرط عدم مسئولیت در خسارات مربوط به سلامت جسمانی اشخاص، خلاف نظم عمومی بوده و لذا بر اساس ماده ۹۷۵ قانون مدنی قابل اجرا نمی‌باشد؛<sup>۱۵</sup> اما براساس شرط پرداخت غرامت (Indemnification Clause)، لیسانس‌گیرنده می‌تواند ضمن قرارداد تعهد کند که در قبال دعاوی اشخاص ثالث از اعطاکننده لیسانس حمایت و غرامات ایجاد شده را پرداخت نماید (Battersby & Grimes, 2001:5-28). با این حال لازم به ذکر است که شرط فوق نیز امکان مراجعه اشخاص ثالث به لیسانس‌دهنده را هنگامی که او مسئول شناخته می‌شود ساقط نمی‌کند و این شرط صرفاً مربوط به روابط طرفین قرارداد (لیسانس‌دهنده و لیسانس‌گیرنده) بوده در مورد آنان معتبر و قابل اجراست.

اکنون با توجه به مطالب بیان شده، به بررسی مبانی مسئولیت لیسانس‌دهنده در قبال صدمات و خسارات وارده از موضوع لیسانس به اشخاص ثالث می‌پردازیم.

#### ۴-۲- مبانی مسئولیت لیسانس‌دهنده

اغلب مبانی که درباره مسئولیت لیسانس‌دهنده مطرح شده است با توجه به نظریه مسئولیت ناشی از فعل غیر است. به این معنا که به دلیل عدم دخالت لیسانس‌دهنده در تولید کالا و این‌که او صرفاً صاحب امتیازات و حقوق مالکیت فکری است و تولید و توزیع محصول تحت لیسانس به عهده لیسانس‌گیرنده می‌باشد. لذا خود لیسانس‌گیرنده مستقیماً مسئول جبران خسارات وارده از محصول تولیدی است و اگر لیسانس‌دهنده را مسئول بدانیم این مسئولیت با توجه به نهاد مسئولیت ناشی از فعل غیر، قابل توجیه است. به همین جهت برخی معتقدند که مسئولیت لیسانس‌دهنده را نمی‌توان بر مبنای مسئولیت تولید کننده توجیه نمود، مگر اینکه عیوب کالایی که منجر به خسارت شده منتسب به اختراع و امتیاز منتقل شده و نحوه استفاده از آن باشد (Poltorak & Lerner, 2004:423). همچنین اگر تولید یک محصول با استفاده از نام و یا



علامت تجاری لیسانس‌دهنده صورت گرفته باشد، مسؤولیت تضامنی هر دو آنان بر مبنای مسؤولیت تولیدکننده قابل پذیرش است (Poltorak & Lerner, 2004: 423).

در نظام حقوقی ایران مصداق بارز مسؤولیت ناشی از فعل غیر، مسؤولیت کارفرما نسبت به اعمال کارگران خود است. اما اعمال نظریه مسؤولیت کارفرما در مورد لیسانس‌دهنده امکان‌پذیر نیست؛ چراکه میان اعطاکنده لیسانس و گیرنده آن رابطه استخدامی و کارگر و کارفرمایی حاکم نمی‌باشد، بلکه لیسانس‌گیرنده همچون پیمانکاری مستقل اقدام می‌کند (Emerson, 2013: 397).

بنابراین، برای توجیه مسؤولیت لیسانس‌دهنده نیازمند مبانی دیگری هستیم که به قرار زیر است.

#### ۴-۲-۱- شرط ضمن عقد لیسانس

در برخی موارد مسؤولیت لیسانس‌دهنده در قالب شرط ضمن قرارداد لیسانس مطرح می‌شود. به این معنا که در این موارد لیسانس‌دهنده به اصرار گیرنده لیسانس، متعهد به پرداخت غرامت‌های مربوط به خسارات اشخاص ثالث می‌گردد؛ چراکه لیسانس‌دهنده مالک حق و امتیازی است که واگذار می‌شود و از این رو نسبت به موضوع لیسانس و خطرات آن آگاه‌تر است (Mittal, 2011: 137). بر اساس این شرط، لیسانس‌دهنده متعهد می‌شود که مسؤولیت صحت حقوق او نسبت به موضوع لیسانس و هر گونه ضرر و زیان ناشی از این موضوع به اشخاص ثالث متوجه او باشد (Mittal, 2011: 138). البته به نظر می‌رسد این شرط صرفاً مربوط به ضرر و زیان ناشی از استفاده از حقوق دیگران و شکایات اشخاص ثالث مبنی بر تعلق حقوق مربوط به لیسانس به آنان است و تعهد لیسانس‌دهنده برای تضمین و اطمینان انتقال-گیرنده حقوق به این دلیل است که حقوق انتقال یافته، صرفاً متعلق به لیسانس‌دهنده بوده و به غیر تعلق ندارد و در صورت تعلق به غیر و خسارات وارده از این امر، صرفاً خود لیسانس-دهنده مسؤول و پاسخ‌گوست. چنین شرطی در نظام حقوقی ایران نیز با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی اراده در قراردادها و عدم مغایرت این شرط با قوانین، قابل پذیرش است.

#### ۴-۲-۲- نظریه تولیدکننده ظاهری (Apparent Manufacturer)

از سال ۱۹۶۰ میلادی برخی متمایل به این نظر شدند که مسؤولیت تولید کالاهای ساخته شده توسط لیسانس‌گیرنده بر عهده اعطاکنده لیسانس است؛ زیرا او غالباً توان مالی بیشتری برای جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث دارد (Raysman & Pisacreted & Adler, 2006:4-28). از سوی دیگر صاحب علامت تجاری، حقوق و امتیازات منتقل شده با اجازه بهره‌برداری به لیسانس‌گیرنده، شهرت و اعتبار خود را به معرض نمایش می‌گذارد و لذا موظف است متناسب با شهرت و اعتبار خود، سطح کیفیت کالاهای تولیدی را کنترل نماید تا محصول تولیدی از کیفیت متناسب و کافی برخوردار باشد (Raysman & Pisacreted, )

Adler, 2006: 4-29). مطابق این نظر، کسی که کالای خود را از طریق شخص دیگری تولید و ارائه می‌نماید دارای همان مسئولیت تولیدکننده است (Franklyn, 1999: 692). نظریه تولیدکننده ظاهری، بیشتر درباره فروشندگان، تولیدکننده کالا نیز هستند و با تکیه بر شهرت و اعتبار آنان کالاهای تولید شده را خریداری نمایند (Franklyn, 1999: 692-693). البته این نظریه هنگامی در مورد صاحب لیسانس قابل اعمال است که او در طراحی، ساخت و یا توزیع محصول دخیل باشد. اگرچه برخی این مبنا را صحیح نمی‌دانند و معتقدند که صاحب علامت تجاری و حقوق مالکیت فکری، فروشنده کالا نیست تا مشمول نظریه تولیدکننده ظاهری شود (Franklyn, 1999: 697). هم‌چنین برخی دیگر بیان می‌دارند که با فرض پذیرش نظریه تولیدکننده ظاهری، اگر نام و علامت تجاری تولیدکننده حقیقی - لیسانس‌گیرنده - به وضوح بر روی کالا نمایان باشد، لیسانس‌دهنده از چنین مسئولیتی مبرا است (Franklyn, 1999: 697).

#### ۴-۲-۳- نظریه مسئولیت نیابتی

برخی مسئولیت لیسانس‌دهنده را بر مبنای مسئولیت نیابتی توجیه می‌کنند (Shapo, 2013: 12-73). دلیل طرح این نظریه، همان تکلیف صاحب لیسانس به نظارت و کنترل بر اعمال لیسانس‌گیرنده است. لذا بیان می‌شود که اگر لیسانس‌دهنده در اعمال نظارت خود کوتاهی نماید و این کوتاهی به ضرر اشخاص ثالث منجر شود، مسئولیت اعمال لیسانس‌گیرنده متوجه اعطاکننده لیسانس است (Giblin, 2011: 20). البته این نظر خالی از اشکال نیست؛ چراکه مسئولیت نیابتی در مورد اشخاصی است که نظارت کامل و کافی بر اعمال دیگری دارند؛ در حالی که نظارت لیسانس‌دهنده بر اعمال گیرنده لیسانس در سطح محدودی است و با لحاظ این امر نمی‌توان او را مسؤول تخلفات لیسانس‌گیرنده محسوب نمود (Wilkof & Burkit, 2005: 117).

#### ۴-۲-۴- نظریه اجتناب از ضرر (Prevention of harm) و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

مبنای دیگری که برای مسئولیت لیسانس‌دهنده معرفی شده، تخلف از تکلیف در اجتناب از ضرر است که با انتخاب لیسانس‌گیرنده ناصالح محقق می‌شود (اسکینی، باقرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۶). به این معنا که لیسانس‌دهنده، مسؤول ضرر و زیان وارده از سوی اعمال و کالاهای لیسانس‌گیرنده است؛ به این دلیل که حقوق خود را به شخص ناشایستی منتقل نموده و از این رو موجب ضرر به غیر شده است.

نظریه فوق مشابه قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است. این قاعده بیان می‌دارد که اگر احتمال ضرر در عملی وجود داشته باشد واجب است که ضرر مزبور دفع گردد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق: ۳۰۶). این دفع ضرر هم در امور دنیوی و هم در امور اخروی است (شیرازی،

۱۴۲۶ق: ۱۰)؛ بنابراین، قاعده‌ای عقلی بوده که علاوه بر امور شرعی بر کلیه جوانب زندگی و علوم مختلف من جمله امور حقوقی احاطه دارد (لطفی، ۱۳۹۱: ۲۱۷). این قاعده با قاعده اقدام نیز سازگار است؛ چراکه مطابق قاعده اقدام «هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان، که شخص دیگری است، مسئول خسارت وارده نخواهد بود.» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ۲۲۱). بنابراین، لیسانس‌دهنده‌ای که با علم به عدم صلاحیت انتقال‌گیرنده، حق بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری خود را در اختیار او می‌نهد، به زیان خود اقدام کرده و مسئول عواقب ناگوار اقدام خود بوده و در صورت مراجعه اشخاص ثالث به او حق رجوع به لیسانس‌گیرنده را ندارد. همچنین به دلیل این‌که با انتخاب یک تولیدکننده و یا انتقال‌گیرنده فاقد صلاحیت و تخصص، ورود ضرر به اشخاص ثالث را احتمال می‌دهد و با این احتمال، دفع ضرر نکرده و باز هم به انتقال لیسانس پرداخته، مسئول و به عبارت دیگر مقصر است.

از این‌رو در میان نظریات مطرح شده و ایراداتی که به هریک وارد شد شاید بتوان گفت نظریه اخیر مناسب‌تر از سایر نظریات بوده و اگرچه شاید به تقصیر و قاعده کلی مسئولیت مدنی منتهی شود؛ لیکن شاید بتوان با قاعده وجوب دفع ضرر و اقدام، تقصیر لیسانس‌دهنده را مفروض دانست. از سوی دیگر، با توجه به تکالیف مقرر شده برای لیسانس‌دهنده؛ از قبیل لزوم نظارت بر اعمال انتقال‌گیرنده لیسانس و ارایه اطلاعات مورد نیاز او، نقض هر یک از این تکالیف نیز تقصیر محسوب شده و لیسانس‌دهنده را در قبال اشخاص ثالث متضرر مسئول قرار می‌دهد.

## ۵- نتیجه‌گیری

امروزه قرارداد لیسانس یکی از متداولترین قراردادها محسوب می‌شود که علاوه بر مزایای متعدد برای انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده لیسانس به توسعه تکنولوژی و فناوری نیز می‌انجامد. اما این پیشرفت و مزایا و منفعت روزافزون همچون سایر منافع، احتمال ورود خطرات و زیان‌هایی نیز در پی دارد. استفاده نامناسب از حقوق منتقل شده، تولید کالای بی‌کیفیت و معیوب و استفاده از حقوق مالکیت فکری دیگران از جمله خطراتی است که می‌تواند از پیامدهای این قرارداد سودمند باشد و به ضرر و زیان اشخاص ثالث غیر منتفع منجر شود. لذا به منظور حمایت از حقوق اشخاص ثالث و جبران هر چه بهتر و مناسب‌تر ضرر و زیان وارد بر آنان، باید تکالیف و تعهدات و مبانی آن تعریف شود که این قرارداد متعارف و سودمند آثار مخربی در پی نداشته باشد و یا در صورت منتج شدن به این آثار راهکاری مناسب برای جبران آن پیش‌بینی شود.

بنابراین، این مقاله به بیان تکالیفی چون نظارت بر تولید کالاها یا تحت لیسانس و ارایه اطلاعات لازم جهت تولید آن‌ها توسط لیسانس‌دهنده پرداخت. همچنین بیان شد که زیان دیده از موضوع لیسانس می‌تواند برای جبران خسارات خود، بر اساس مبانی چون مسئولیت تولید کننده، مسئولیت نیابتی، مسئولیت قراردادی و نظریه قایم مقامی و نظریه تقصیر به لیسانس‌گیرنده کالا و مطابق مبانی چون اجتناب از ضرر، وجوب دفع ضرر محتمل و در نهایت اثبات تقصیر لیسانس‌دهنده برای نقض تکالیف و یا جلوگیری از ضرر و زیان ناشی از حقوق خود به لیسانس‌دهنده مراجعه نماید. همچنین بیان شد که در میان مبانی مذکور نظریه مسئولیت نیابتی و مسئولیت تولید در نظام حقوقی ایران پذیرفته نشده و البته معادلی برای استناد به آن نیز موجود نمی‌باشد؛ اما جای بسی خوشنودی است که قاعده وجوب دفع ضرر محتمل را می‌توان معادلی برای نظریه اجتناب از ضرر در نظر گرفت و لیسانس‌دهنده‌ای را که از خطر واگذاری حقوق خود به اشخاص فاقد صلاحیت و همچنین ضرر و زیان احتمالی ناشی از این اقدام اجتناب نمی‌کند، مسؤول محسوب نمود.

شایسته ذکر است که استناد و بهره‌مندی از قواعد متعدد فقهی و بررسی و تحلیل آن‌ها کمک شایانی به رفع خلاءهای موجود در نظام حقوقی ایران می‌نماید و مهجور و متروک ماندن این قواعد و توسل به راهکارهای کهنه و گاه بی‌ثمر، نظام حقوقی ما را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌سازد.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان: «پدید آورنده‌ی اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد... به غیر واگذار کند.»
- ۲- بند ۷-۵ دستور العمل بررسی نحوه ارجاع فعالیت خدمات مهندسی مشاور، پیمانکاری و خدماتی پروژه‌ها به صورت منفرد و توأم چند فعالیت، توسط دستگاه‌های اجرائی و نظارت بر حسن اجرای ماده (۳) قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرائی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی: «خرید لیسانس و واگذاری مهندسی پایه به صاحب لیسانس منتخب انجام مطالعات تصمیم سازامکان سنجی، خرید اقلام مصرفی، خرید اقلام جایگزین تعمیراتی و خریدهایی که ماهیت پروژه ای نداشته (جزئی از پروژه نباشد) و مبتنی بر کار مهندسی و طراحی، سفارش ساخت یا تولید نمی باشد، در چارچوب مقررات مربوطه از شرکتهای خارجی مجاز است نظر کارگروه کارشناسی نظارت در موارد ابهام ملاک عمل قرار خواهد گرفت.»
- ۳- ماده ۳۳۸ قانون مدنی: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم.»

۴- ماده ۱۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان: «انتقال گیرنده حق پدیدآورنده می‌تواند تا سی سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند مگر اینکه برای مدت کمتر توافق شده باشد.»

5-Art.1708 Civil Code of France: "There are two kinds of contracts of hiring: One for things, And one for work."

۶- ماده ۶ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶: «هرگاه مالک، ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید می‌تواند مبلغی را تحت عنوان سرففلی از مستأجر دریافت نماید. همچنین مستأجر می‌تواند در اثناء مدت اجاره برای واگذاری حق خود مبلغی را از موجر یا مستأجر دیگر به عنوان سرففلی دریافت کند، مگر آن‌که در ضمن عقد اجاره حق انتقال به غیر از وی سلب شده باشد.» و ماده ۴۷۳ قانون مدنی: «مستأجر می‌تواند عین مستأجره را به دیگری اجاره دهد مگر اینکه در عقد اجاره خلاف آن شرط شده باشد.»

۷- ماده ۴۶۶ قانون مدنی: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود.»

۸- ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.»

۹- ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و کارگران آنان در حین انجام کار یا بمناسبت آن وارد شده است ...»

10- Strict Liability: بر اساس این نظریه متضرر دیگر نیازی به اثبات تقصیر تولیدکننده ندارد بلکه کافی است عیب کالایی که سبب ورود خسارت شده ثابت نماید و نشان دهد عیب در هنگام فروش به نخستین مصرف‌کننده وجود داشته است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹).

۱۱- ماده ۳۳۳ قانون مدنی: «صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می‌شود مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع از آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است.»

ماده ۳۳۴ قانون مدنی: «مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود.»

۱۲- ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

۱۳- ماده ۴۴ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری: «قرارداد اجازه بهره برداری از ثبت یا اظهارنامه ثبت علامت باید به طور مؤثر کنترل اجازه دهنده بر کیفیت و مرغوبیت کالا و ارائه خدمات توسط استفاده کننده را در برداشته باشد. در غیر این صورت یا در صورتی که کنترل به طور مؤثر انجام نگیرد، قرارداد اجازه بهره برداری فاقد اعتبار خواهد بود.»

14-2-719(3) Uniform Commercial Code(UCC): "Consequential damages may be limited or excluded unless the limitation or exclusion is unconscionable. Limitation of consequential damages for injury to the person in the case of consumer goods is prima facie unconscionable but limitation of damages where the loss is commercial is not."

۱۵- ماده ۹۷۵ قانون مدنی: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.»

### کتابنامه

- احمدوند، ولی الله، (۱۳۸۴)، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی کارفرما در سیستم حقوقی ایران و انگلیس»، فصلنامه مصباح، سال چهارم، شماره ۶۱
- احمدی، مریم، کوشا، ابوطالب، (۱۳۹۱)، «بررسی قراردادهای لیسانس اختراعات بالادستی فن آوری نانو با نگاهی به موافقت نامه TRIPS»، اولین کنفرانس بین المللی نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاهی، مرکز همایش‌های بین المللی هتل المپیک تهران.
- اسکینی، ربیعا، باقر آبادی، فرامرزی، (۱۳۹۰)، «تعهدات اساسی فرانسیز گیرنده در قراردادهای بین المللی فرانسیز»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۳۵.
- افشاری پور، غلامرضا، (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی ماهیت قراردادهای اعطای مجوز»، ماهنامه کانون، شماره ۹۳.
- انصاری، مهدی، (۱۳۸۴)، «قراردادهای بین المللی لیسانس تکنولوژی»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۴۴.
- زهبتابچیان، محمد حسین، ناصری گیگلو، علی، (۱۳۸۹)، «انتقال تکنولوژی»، مجله عصر مدیریت، سال چهارم، شماره چهاردهم.
- شیرازی، سید صادق حسینی، (۱۴۲۶ق.)، «بیان الفقه فی شرح العروه الوثقی»، ج ۱، چاپ دوم، قم: دارالانصار.
- شیفر، ریچارد، ارل، بورلی، آگوستی، فیلیبرتو، (۱۳۸۴)، «قراردادهای لیسانس و حمایت از حقوق مالکیت فکری»، ترجمه هداوند، مهدی، مجله حقوقی داور، شماره ۱.

- صابری، روح الله، (۱۳۸۵)، «بعاد حقوقی قراردادهای ليسانس»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، محمد علی بهمنی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، «مسئولیت ناشی از عیب تولید»، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، «حقوق مدنی، عقود معین»، ج ۱، چاپ دهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۱ الف)، «مسئولیت مدنی، الزام های خارج از قرارداد»، ج ۲، چاپ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۱ ب)، «مسئولیت مدنی، الزام های خارج از قرارداد»، ج ۱، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لطفی، اسدالله، (۱۳۹۱)، «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و کاربرد آن در قانون آیین دادرسی مدنی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶ ق)، «قواعد فقه»، ج ۱، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی، سید کاظم، (۱۴۲۱ ق)، «القواعد-مائه قاعده فقهیه»، چاپ چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- معین، محمد، (۱۳۶۰)، «فرهنگ فارسی»، چاپ چهارم، تهران: چاپخانه سپهر.
- مولودی، محمد، (۱۳۸۳)، «قائم مقام خاص متعاقدين»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴.
- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ق)، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام»، ج ۲۳، چاپ هفتم، بیروت-لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- هداوند، مهدی، (۱۳۸۴)، «حقوق مالکیت صنعتی و قراردادهای بین المللی ليسانس»، مجله تدبیر، شماره ۱۵۸.

Battersby, Gregory J.; Grimes, Charles W., (2001), "License Agreements", Aspen Publishers.

Bouche, Nicolas, (2011), "International Property Law in France", Kluwer Law International.

Classen, H. Ward, (2007), "A Practical Guide of Software Licensing for Licensees and Licensors", United States of America: American Bar Association.

Dimatteo, Larry A., (2009), "Law of International Contracting", 2<sup>nd</sup> ed, Netherlands: Kluwer Law International.

Emerson, Robert W., (2013), "Franchise Goodwill: Take a Sad Song And Make It Better", *University of Michigan Journal of Law Reform*, Vol.46:2, PP.349-416.

Franklyn, David J., (1999), "The Apparent Manufacturer Doctrine, Trademark Licensors and The Third Restatement of Torts", *Case Western Reserve Law Review*, Vol.49:671,PP.671-729.

Giliker, Paula, (2010), "*Vicarious Liability in Tort*", 1ed, Cambridge University Press.

Giblin, Rebecca, (2011), "*Code Wars: 10 Years of P2P Software Litigation*", UK: Elgar Publishing.

Harris, Lesley Ellen, (2009), "*Licensing Digital Content*", 2<sup>nd</sup> ed, American Library Association.

Mendelsohn, Martin, (2004), "*The Guide to Franchising* ", 7<sup>th</sup> ed, Cengage Learning EMEA.

31-Mittal, Raman, (2011), "*Licensing Intellectual Property*", 1ed, New Delhi: Satyam Law International.

Park, Patricia, (2013), "*International Law for Energy and Environment*", 2<sup>nd</sup> ed, CRC Press.

Perks, David, (2012), "*Oil and Gas*", 1ed, London: Sweet & Maxwell.

Poltorak, Alexander I., Lerner, Paul J., (2004), "*Essentials of Licensing Intellectual Property*", New Jersey: John wiley & Sons,Inc.

Raysman, Richard, Pisacreted, Edward A., adler, Kenneth A., (2006), "*Intellectual Property Licensing*", New York: Law Journal Press.

Shapo, Marshall S., (2013), "*Shapo on The Law of Products Liability*", New York: Aspen Publishers Online.

Spier, Jaap, Busnelli, Francesco Donato, (2003), "*Unification of Tort Law*", Kluwer Law International.

Wilkof, Neil J., Burkit, Daniel,(2005), "*Trade Mark Licensing*", 2<sup>nd</sup> ed, London: Sweet & Maxwell.